



نقدی بر سریال «عاشقانه»

خشونتِ مدام



عاشقانه، عاشقانه‌ای آرام، نه خشونت‌ی مدام… اینجا همان جاست که می‌گویند آزادی وجود دارد. برابری زن و مرد، زندگی به سبک غربی، تجدد، مدرنیته‌ای پر از فرهنگ و ادب. اینجا همان جایی است که زن به راحتی مردش را به باد فحش و ناسزا می‌گیرد، آن‌هم به بهانه یک مسئله خیلی خیلی مهم به نظر خودش…

چقدر خوب است که داریم آرام آرام مشق آزادی می‌کنیم و خو می‌گیریم. با دیدن علاقه زن به سگش یاد پارک‌های تهران اقدام که می‌روی دمی آسوده باشی اما برای آنکه آزادی کسی خدشه‌دار نشود خیلی با احترام از کنار سگ‌های‌شان گذر می‌کنی حتی اگر برایت مزاحمت ایجاد کنند. آزادی است دیگر!

اینجا نقطه سبک زندگی اروپایی است، عیسی به دین خود، موسی به دین خود. باید عادت بکنی، اگر توانستی که خوب خیلی روشنفکری و اگر نتوانستی خیلی عقب‌مانده هستی. اینجا زن آزاد است، هر جا برود با هر که بخواهد و هر طور که بخواهد و تو اگر یک

برادر از راه رسیده کمی غیر تمدن و روشنفکر امروزی‌اش باشی باید راه پیدا کن در خواهرت را از هر مرد و نامردی بپرسی، تو را به خدا به من بگو یا او رابطه نداشته‌ای؟

باید دنبال ناموست از لایه‌لای مردان آشنای فامیلت بگردی و قسم و آیه که از او خبر داری بپا؟

آخر هم می‌شوی یک مهره ناهمگون چرا! چون متر شمر شده‌ای زیرا که تم‌مانده‌های رگ و ریشه غیرت می‌جوشد و هم از طرفی سبک زندگی غربی‌ت به تو اجازه نخواهد داد که سنتی و قدیمی فکر کنی، عقب مانده باشی. اینجا مردان چهار نوع هستند:

رضا؛ کسانی که معنی غیرت و ناموس را می‌فهمند و بیش از بقیه انواع مرد برای خانواده ارزش قائل هستند اما برای اینکه بتوانند در جامعه خوب بدرخشند، باید رگ و ریشه مذهبی خانواده خود را کنار بگذارند و پنهان کنند.

پیمان؛ مردان هوس‌باز که از هر چیزی دنبال سود و منفعت خودشان هستند. دو چیز را در کل می‌پسندند پول و زن. سهیل؛ مرد خفیز شده، مردی که به ظاهر خیلی جاها کوتاه می‌آید، مردی که از طرف همسرش بی حرمت می‌شود اما همچنان دم نمی‌زند و به اصطلاح احساسات به خرج می‌دهد. مردی که زیر بار خفت می‌رود و بر برخی اوقات «ویزان» هم می‌شود.

مردان با ظاهر مذهبی، درون فاسد و عیاش و بی‌وجدان. مردانی که برای جامعه در ظاهر خوب هستند و مفید و اهل کار خیر اما به خانواده که می‌رسد خیانت می‌کنند، دروغ می‌گویند، پنهانکاری می‌کنند و در برابر عواقب کارها و تصمیمات‌شان با بی وجدانی عمل می‌کنند. مردان با ظاهر مذهبی و پولدار که همه چیز دور پول می‌گردد. اگر کار خیر باشد یا پول است و اگر بستن دهان کسی هم باشد باز هم با پول است. در هیچ‌کدام شاید اعتقادی از درون وجود نداشته باشد یا ریا و خودنمایی است یا پنهانکاری و سانسور.

اما زنان؛ همه‌فمنیست همه‌دارای یکسری عقده‌های فرورجوده، همه خشونت‌طلب، همه حاضر جواب، بی هیچ پایبندی و تعهد به اصول خانواده، زنان از دین گرزیان؛ زنانی که دیگر در کنارشان «لتسکنوا الیها» نخواهی شد. این نهایت و غایت همان زندگی است که اروپاییان ترسیم می‌کنند. راحتی زن و مرد، سگ‌بازی، بی‌حجابی، بی‌بندوباری، روابط آزاد و فساد مالی و اخلاقی و … و چه زیبا می‌گوید «حشیتی عیسی»؛ به این مضمون که ناراحت نشوید از دین! اینگونه فیلم‌ها چرا که آنها دارند با دست خودشان بدبختی و غایت مسیر خودشان (غربی) را نشان می‌دهند. نهایت همان روشنفکران مدرنیته لیبرال.

و اما یک چیزی تلخ در اینجاخ می‌نماید. شاید به راحتی، شیطان خطواتی که توسط آن جامعه را قدم‌قدم به سمت ذلت می‌کشد، در فیلم‌های امروزی هم به تصویر کشیده شده‌است. روزگاری بود که اگر نقدی بر محتوای فیلمی می‌رفت چند مورد محدود بود اما اگر آنها را با فیلم‌های امروزی مقایسه کنیم درست گام‌های شیطان را خواهیم دید. دیگر صحبت از اصول ساده و اولیه اخلاقی نیست، بلکه این مسیر به قیفر ادامه یافته‌است و همانا سینما هر چه باشد بخش هر چند کوچک جامعه را به تصویر کشیده‌است. خطوات شیطان شاید همین باشد که دیگر کسی به حجاب کم نشان فیلم چیزی نمی‌گوید، دیگر کسی به بدترین شکل ممکن به تصویر کشیدن همه افراد مذهبی فیلم چیزی نمی‌گوید، دیگر کسی به فحش و ناسزاها و کنش نشان نمی‌دهد ما هم بالطبع واکنش نشان نمی‌دهیم و می‌رویم سراغ گام‌های ثانویه و جنی‌تر که آنها را نقد کنیم! تماشاچی با اینها خو گرفته‌است و دیگر به این مسائل پیش پایفاده طبیعی همه‌جایی واکنش نشان نمی‌دهد. منتقدان هم همه یکی به یکی دنبال‌شان چرا که همه خواهی نخواهی خو گرفته‌اند می‌شوی مدام.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.
نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۶-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۱۵۸ | چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ | ۱۶ ذی‌العصده ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۲:۰۱ | آذان مغرب: ۲۰:۲۲ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۲ | اذان صبح شرعی: ۰۴:۵۵ | طلوع آفتاب: ۰۶:۱۹

نگاه «جوان» به نخستین اثر سینمایی مه‌ران مدیری

یک هشدار اجتماعی به وقت «۵ عصر»



■ **جواد محرمی**

مدیری از آنجا که می‌تواند بدون دست گذاشتن بر سوزها و آراجات جنسی و مبتذل را بیخ سینمایی کمدی ایران مخاطب را بپختاند باید سلطان کمدی ایران لقب بگیرد اما فیلمس او برای تبدیل شدن به اثری ارزشمند کاستی‌های زیادی دارد.

مدیری سعی کرده فیلمی شهری بسازد، هرچند استفاده او از المان‌های شهری مانند اغلب فیلم‌های ایرانی، ناقص و کم‌رنگ است اما او سعی کرده موقعیت‌ها و فضاهایی خلق کند که سینمای ایران کمتر کسی به سمت خلق آن می‌رود و اساساً فیلمسازان زحمت ایجاد آن را به خود نمی‌دهند.

فیلم مدیری یکی از اصلی‌ترین مواد لازم سینمای داستانی در دست و در مان را است، اختیاب دارد و آن‌هم عنصر اغراق است،

ژانر کمیک به اغراق آمیز بدون کار او به‌طور خودکار یاری رسانده، او خوداگاه یا ناخوداگاه می‌داند مردم به سینما می‌روند برای دیدن چیزهایی که در زندگی عادی

و در محدوده زمانی حدود ۹۰ دقیقه نمی‌توانند ببینند یا تجربه کنند، فیلم سینمایی خوب باید تماشاگران را به درک و تجربه‌ای تازه از زندگی برساند یا موقعیت‌ها و تصاویری بدیع و دور از ذهن خلق کند. برای در سینمای ایران از آراجات روتیک

برای ارضای این خواست استفاده می‌کنند، ساعت پنج عصر اما از این آفت سوداگران و با ضد اخلاقی تا حدود زیادی مصون مانده و با به میدان ابتذال‌های جنسی نگذاشته است. مدیری از مصالح فکری و دانش لازم برای ساخت موقعیت‌های خنده‌دار بهره‌مند است و تشخیص هنری خود را به پای بی‌اخلاقی‌های مرسوم این روزهای سینمای ایران قربانی نکرده است.

■ **باز تاب در دیت افسارگسیخته جامعه**
شاید بشود ادعا کرد که فیلم «ساعت ۵ عصر» مدیری فردیت افسارگسیخته و رو به رشد جامعه ایرانی را بیش و بهتر از آثار دیگر سینمای ایران به تصویر کشیده‌است؛ در معنای متفاوت زیادی با روح دینمداری در جامعه دارد ولی شتاب زائدالوصفی نیز به خود گرفته‌است. مه‌راد پرهام با اینکه همه تلاشش را برای یک شهر وند خوب بودن می‌کند اما با مانع بزرگی چون فردیت آدم‌ها مواجه است.

روزنامه‌سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.
نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۶-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۱۵۸ | چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ | ۱۶ ذی‌العصده ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۲:۰۱ | آذان مغرب: ۲۰:۲۲ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۲ | اذان صبح شرعی: ۰۴:۵۵ | طلوع آفتاب: ۰۶:۱۹

نگاه «جوان» به نخستین اثر سینمایی مه‌ران مدیری

یک هشدار اجتماعی به وقت «۵ عصر»

خوبی که کنار هم چسبده کار را جمع‌بندی کرده‌است.

آدم‌ها خودشان را در جامعه‌ای که فیلم تصویر کرده پیدا نمی‌کنند. مدیری فضا و موقعیت را عمدأ به فانتزی نزدیک کرده تا لاید در مواجهه با انتقادهای احتمالی درباره آدم‌های بی‌قواره فیلمش این جواب را داشته باشد که موقعیت‌های فیلم من واقعی نیستند، این فضای شبه فانتزی قدری امکان و لازمان بودن را نیز تداعی می‌کند، اگر چه روی مکان فیلم از همان نمای افتتاحیه فیلم که تصویری سرد، خشن و سیمانی از تهران است، تأکید می‌شود، این سردی و خشونت در ادامه در رنگ و نور حاکم بر فیلم نیز خود را نشان می‌دهد؛ سردی‌ای که با غلبه ماشینیسیسم و ابزار و نیز ساختمان‌های سیمانی بیشتر خشونت‌مورد نظر فیلمساز را انعکاس می‌دهد.

تنها عنصری که می‌تواند این سردی را بشکند و گاهی فضا را گرم کند، طنز-حاکم بر برخی موقعیت‌هاست که البته در همه موارد نمک لازم را ندارد.

■ **یک تعادل در معرض تهدید**

اغراق در فردیت آدم‌ها در فیلم هشدار گونه به نظم می‌رسد، همه سعی می‌کنند صرفاً گلیم خود را از آب بیرون بکشند، تأکید بر شکل و شمایل و فضاهای مدرن و کنتراستی که این مدرنیسم با رفتارهای ضدفرهنگی آدم‌ها ایجاد می‌کند در حقیقت برداشت سازنده اثر از جامعه‌ای است که تعادل آن در معرض تهدید است.

این اعتدال در معرض تهدید بیش از همه در سکانس مربوط به تظاهرات کارگری که شکار

برابری سر می‌دهند خود را نشان می‌دهد. مدیری این وضعیت نامتعادل را به طبقه مرفه و بالانشین محدود نمی‌کند و سرکی هم به پایین شهر می‌کشد، شاید برای اینکه نخواست خود را در معرض این قضاوت قرار

بدهد که تنها یک طبقه اجتماعی را مورد نقد قرار داده است. آثار شیسیم حاکم بر فضای فیلم ساعت ۵ عصر می‌تواند نوعی هشدار به جامعه قلمداد شود، هرچند باز تأکید می‌شود که این فردیت افسارگسیخته و آناشیسیم مفرط در فیلم به نسبت واقعیت جامعه ایران مبالغه‌آمیز است و این مبالغه ابزار طنز مدیری

بوده و قابل درک است.

مدیری در فیلیش به مواردی اشاره می‌کند که اشاره به آنها در سینمای ایران در نگاه معمول بدون انگیزه‌های غلیظ سیاسی و آراجات گل درشت دور از ذهن نمی‌نماید، سکانس مربوط به تظاهرات کارگری با ساجویی از مه‌راد به خاطر تصویری که از او در شلوغی‌ها شبه روشنفکرانه بر سینمای ایران است؛ اندیشه‌ای که به جای تأکید بر نشانه‌های خیر و مثبت جامعه جهت تکثیر و عمومی کردن آن روی نکات منفی انگشت می‌گذارد. «ساعت ۵ عصر» از همان جایی که پاشنه آشیل اصلی سینمای ایران است نیز ضربه می‌خورد، فیلم‌نامه‌ای که خرفه‌های فراوانی دارد؛ ایده‌ای اولیه که وقت و استعداد کافی برای پخته شدن آن صرف نشده‌است و کارگردان صرفاً بر مبنای سکانس‌ها و برداشت‌ها و میزانسن‌های تقریباً

جنگ لفظی کره شمالی با امریکا

فَقْدَ الْجَاحِثِ غَرَبَهُ.

از دست دادن دوستان غربت است.



وزارت ارشاد

به وزیر امنیت خود هم وفا نکرد



■ **فرزین ماندگار**

حسین روحانی وزیر ارشاد امنیتی خود را هم کنار گذاشت. پس از دوره پر آشوب علی چنتی که با نام **ولنگاری فرهنگی** در یادها ماند، **صالحی امیری** فردی بود که با زستی ظاهر **الصلاح‌تر** از علی چنتی یا به میدان فرهنگ دولت یازدهم گذاشت **اسما ادبیات** نه چندان فرهنگی او در روز انتخابات **هنگام رای** دادن تقریباً همه را به **کوچکی** او بسرای پست بزرگ وزارت فرهنگ متقاعد کرد.

صالحی امیری گویی بیشتر برای جمع سلبریتی‌ها برای حمایت از دولت در انتخابات به کار گماشته شده بود و خودش هم بیش از همه این مأموریت را برای خود جدی گرفته بود، احساس پیروزی سیاسی سبب شد در روز انتخابات اخلاقی و فرهنگ را یکجا واداده و در اظهار نظری جنجالی به شکستی سنگین نائل آید.

همان‌طور که در گمانه‌زنی‌های چند هفته اخیر اعلام شده بود، حسن روحانی برای کابینه دوازدهم سیدعباس صالحی را به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مجلس معرفی کرد و اگر او رای اعتماد بگیرد، سیزدهمین وزیری خواهد بود که وارد ساختمان میدان بهارستان می‌شود. نکته جالب آن است که سیدرضا صالحی‌امیری با حدود ۱۰ ماه حضور، کوتاه‌ترین دوران ارشاد را به نام خود ثبت کرد.

علی چنتی اولین وزیر ارشاد دولت یازدهم به دلیل کارنامه ضعیفش اواخر هم‌راه سال ۹۵ عاقبت تسلیم انتقادها شد و کناره‌گیری کرد.

در حالی‌که سیدعباس صالحی، معاون فرهنگی وزارت ارشاد به عنوان سرپرست این وزارتخانه از سوی رئیس‌جمهور تعیین شده بود، در نهایت سیدرضا صالحی امیری به عنوان وزیر به مجلس معرفی شد و روز یازدهم از این مجلس رای اعتماد گرفت.

این زمان به نظر می‌رسید اگر روحانی در انتخابات پیروز شود و رئیس‌جمهوری بماند، صالحی‌امیری هم در وزارت ارشاد باقی می‌ماند اما ظاهراً حسن روحانی به بی‌برنامگی او در فرهنگ پی برده است. صالحی‌امیری در حوزه سینما دست به تغییر زد و در نیمه دوم اسفند سال گذشته محمد مهدی حیدریان را به جای حجت‌الله ایوبی به عنوان معاون خود و رئیس سازمان سینمایی منصوب کرد. طبیعتاً

رئیس بنیاد سعدی در مراسم رونمایی از «سند راهبردی زبان فارسی در جهان»:

زبان فارسی، قلمرو فرهنگی ایران را تعیین می‌کند



رئیس بنیاد سعدی، در مراسم رونمایی از «سند راهبردی زبان فارسی در جهان» گفت: اسنطوره آرش گمانگیر کاملاً قابل انطباق با زبان فارسی است و قویاً معتقدم هر جایی‌که زبان فارسی رفته است، آنجا قلمرو فرهنگی ایران زمین است. حدادعادل در این مراسم، با اشاره به مناقشات موجود در خصوص اینکه شاعران و اندیشمندان فارسی‌متعلق به کدام سرزمین هستند، گفت: به یک معنا این بزرگان متعلق به آن کشور هستند چون در آن کشور زندگی کرده‌اند اما ما یک قلمرو ایران سیاسی امروز و یک قلمرو فرهنگی ایران داریم- و وقتی می‌گوییم چه کسی ایرانی است، ملاک ما این قلمرو فرهنگی است. این قلمرو فرهنگی را زبان فارسی تعیین می‌کند.

رئیس بنیاد سعدی در خصوص اهمیت شناخت فرهنگ‌ها در آموزش زبان فارسی گفت: مسئله مهم در آموزش، شناخت مخاطب است. خداوند در قرآن می‌فرماید که ما هیچ پیغمبری را نفرستاییم مگر آنکه به زبان مردمش صحبت می‌کرد. این آیه را می‌توانیم بسط بدهیم. «سول» می‌تواند یا پیامبری باشد یا فرستاده‌ای که از یک مؤسسه‌ای یا حکومتی به جایی دیگر می‌رود که باید فرهنگ جماعتی را که به سوی آنها فرستاده شده است، بداند. حدادعادل با بیان آنکه طی ۴۰ سال پس از انقلاب اسلامی، در حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان پیشرفت خوبی نداشته‌ایم، گفت: یکی از اتفاق‌های مبارکی که افتاده است، تأسیس رشته آموزش زبان فارسی به خارجیان (آزفا) بوده‌است که پیش از این چنین تخصصی نداشتیم و این رشته در دنیا هم

^[1] رئیس بنیاد سعدی در مراسم رونمایی از «سند راهبردی زبان فارسی در جهان»